یادداشت

رئیس‌جمهور، گیلان و بندر کاسپین

عبدالرسول خلیلی . کارشناس مناطق آزاد

● رئیس‌جمهور در سفر اخیر خود به استان گیلان با اشاره به جایگاه و نقش مناطق آزاد در رونق اقتصادی، تصریح کرد برای رسیدن به این رویکرد مهم، مناطق آزاد در توسعه صادرات غیرنفتی نقش کلیدی داشته و باید به مراکز مهم صادرات کشور تبدیل شوند. روحانی با اشاره به اهمیت بندر در حال ساخت کاسپین در منطقه آزاد انزلی، اظهار کرد: تجهیز این بندر با ۲۲ پست اسکله می‌تواند مسیر دریای خزر را برای حمل‌ونقل کالا به حداکثر برساند. رئیس‌جمهور با اشاره به جمعیت و توان اقتصادی کشورهای حاشیه دریای خزر با تأکید بر اینکه بندر انزلی می‌تواند به هاب ترانزیت منطقه‌ای تبدیل شود، اهمیت تجارت میان این کشورها را از طریق فعال‌شدن راه‌آهن که می‌تواند دریای خزر را به دریای آزاد متصل کند، خاطرنشان کرد تکمیل خط آهن قزوین- رشت- بندر انزلی- آستارا و بندر در حال احداث کاسپین در منطقه آزاد انزلی برای توسعه تجارت و صادرات غیرنفتی ایران در حوزه دریای خزر، بسیار بااهمیت است و می‌تواند موجب اتصال خلیج‌فارس و دریای عمان به دریای خزر شود، به‌طوری که امکانات بندری و گمرکی منطقه آزاد انزلی در صادرات، واردات و ترانزیت کالای کشور نقش مؤثری دارد. اقتصاد منطقه آزاد انزلی را با تجاری‌سازی مزایای رقابتی بندر انزلی به‌روز کنیم. باید گفت منطقه آزاد انزلی ازجمله مناطق آزاد هفت‌گانه ایران است که در دوم شهریور ۱۳۸۲ براساس ماده واحده مجلس شورای اسلامی در محدوده بندر انزلی در شمال ایران و در منطقه جنوب دریای خزر تأسیس شد. بندر انزلی در قرون گذشته راه مهم ارتباط اقتصادی با شرق و غرب بوده است. این بندر که از فعال‌ترین بندرهای حاشیه دریای خزر است، پنجمین مرز فعال کشور بوده و ۷.۳ درصد از ترانزیت ورودی به ایران و بیش از ۵۰ درصد حمل‌ونقل کالای استان گیلان از طریق این مرز انجام می‌شود.

از مرز دریایی انزلی سالانه بیش از چهار میلیون تن کالا وارد و بیش از ۲۸۸ هزار تن سوخت و ۵۵ هزار تن کالای غیرنفتی به‌طور حمل‌ونقل ترکیبی از طریق بندر انزلی به داخل یا خارج از کشور ترانزیت می‌شود. ترانزیت جاده‌ای نیز با کشتی‌های رو رو (Roll on/Roll off) از طریق این منطقه جایگاه ویژه‌ای دارد. از دیگر مزایا و امکانات بندر انزلی که در محدوده منطقه آزاد قرار دارد، می‌توان به ترمینال‌های نفتی، فله خشک، راه‌آهن، کانتینری، بار و مسافر و همچنین ایجاد مراکز تعمیراتی و پشتیبانی برای کشتی‌های داخلی و خارجی اشاره کرد که همه اینها ازجمله ویژگی‌هایی است که یک شهر دریایی خوب مانند آنچه در منطقه آزاد قشم مدنظر است، باید دارا باشد. تکمیل طرح راه‌اندازی راه‌آهن قزوین، رشت، بندر انزلی و آستارا می‌تواند نقش بسزایی در رشد فعالیت‌های اقتصادی منطقه آزاد انزلی داشته باشد. موقعیت بندر انزلی در دریای خزر و هزینه کمتر حمل‌ونقل بار از طریق راه‌آهن و کشتی، اهمیت اتمام این طرح را بیش‌ازپیش نشان می‌دهد، به طوری که با احداث کامل آن کشورهایی که در مسیر کریدور شمال جنوب قرار دارند، ترجیح می‌دهند به‌دلیل کوتاه‌بودن مسیر و ارزان‌شدن هزینه حمل‌ونقل، کالاهای خود را از طریق ایران، ترانزیت کنند که از این بابت درآمد زیادی از محل ترانزیت حاصل خواهد شد. گفته می‌شود قرارگرفتن در مسیر کریدور بین‌المللی شمال- جنوب، این مسیر را تا سه برابر از مسیر فعلی کوتاه‌تر و ارزان‌تر می‌کند. راه‌آهن قزوین، رشت، انزلی، آستارا یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های ریلی کشور است که کشورهای آسیای‌میانه را به اقیانوس هند و اروپا و کشورهای حاشیه خلیج‌فارس متصل می‌کند. پروژه راه‌آهن قزوین، رشت، انزلی و آستارا به طول ۳۷۲ کیلومتر است. طول این خط آهن از قزوین تا انزلی ۲۰۵ کیلومتر است که در قالب ۹ قطعه به پیمانکار واگذار شده است. این خط دارای ۲۲ کیلومتر تونل و ۱۲ کیلومتر پل بزرگ است که پل زیبای شاهرود را به‌صورت قوسی بتونی در قالب دهانه‌های ۶۰متری به‌عنوان شاهکاری بزرگ در حال احداث دارد. مسیر خط آهن از رشت تا آستارا نیز ۱۶۷ کیلومتر خواهد بود. با تکمیل راه‌آهن قزوین، رشت، بندر انزلی و ادامه آن تا آستارا، این خط آهن به خطوط آهن جمهوری آذربایجان متصل خواهد شد. اعتبار مورد نیاز اجرای این پروژه ۱۰ هزار میلیارد ریال است و پیش‌بینی شده است در قالب پروژه‌های مهم کشور با تأمین نقدینگی مالی به‌زودی به‌اتمام برسد.

دسترسی به معادن سرب، روی و آهن و نزدیکی به بندر آستراخان و لاگان در روسیه، کراسنودسک در ترکمنستان، اکتائو در قزاقستان و باکو در آذربایجان و به‌ویژه نزدیکی به بزرگ‌ترین ذخایر نفت و گاز دریای خزر به‌مثابه بزرگ‌ترین دریاچه جهان، یا کوچک‌ترین دریای خودکفای کره زمین، از دیگر مزایای منطقه است. گفته می‌شود ذخایر نفتی موجود در زیر بستر دریا حدودا برابر با ۵۰ میلیارد بشکه و ذخایر گاز طبیعی تأییدشده هم برابر با ۲۵۷ هزار میلیارد فوت مکعب است که این ارقام حدود چهار درصد از ذخایر گاز و نفت دنیا را تشکیل می‌دهد. پیش‌بینی شده است با ادامه فعالیت‌های اکتشافی، ظرفیت بهره‌برداری نفت این منطقه به ۱۸۴ میلیارد بشکه و ظرفیت برداشت گاز از آن هم به ۲۹۳ هزار میلیارد فوت مکعب برسد.

صادق زیباکلام در گفت‌وگو با «شرق»:

فساد ناشی از نفوذ دولت‌ها در اقتصاد است

عکس: عباس کوثری، شرق

رضا اسدآبادی

سال‌های‌سال است که در کشورهای آسیایی احکام سنگینی برای مفسدان اقتصادی و مفاسد دولتی تعیین و اجرا می‌شود. انفصال مادام‌العمر از خدمات دولتی، اعدام، افشای نام و جریمه‌های نجومی، همه‌وهمه تنها بخشی از این احکام هستند. هانتینگتون اعتقاد دارد که فساد به رفتار آن کارمندانی اطلاق می‌شود که در بخش «عمومی» برای منافع «خصوصی» خود، ضوابط پذیرفته‌شده را زیر پا می‌گذارند، اما کسانی نیز مانند محمد مالجو معتقدند فساد و سوءاستفاده از موقعیت تنها منحصر به بخش دولتی نیست و بخش خصوصی نیز با عدم پرداخت یا استفاده از روش‌های کاستن از مزد، خارج‌کردن سرمایه، سوءاستفاده از محیط زیست و... می‌تواند مفسدانه عمل کند. در این باره البته «صادق زیباکلام»، چهره جنجالی آکادمی‌های علوم سیاسی ایران و استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، مانند بسیاری از همفکران خود میزان گستردگی فساد را صرفا تابعی از میزان حضور دولت در اقتصاد و سهم بخش عمومی و دولتی در اقتصادها می‌داند. ما نیز در همین باب گفت‌وگویی کوتاه با این عضو هیأت علمی دانشگاه تهران داشتیم. با اینکه در ارتباط با کلیت ایده صادق زیباکلام در مورد فساد مثال‌های نقض قابل‌اعتنایی در جریان پرسش و پاسخ‌ها ارائه شد، اما وی همچنان با استثنامعرفی‌کردن این مثال‌ها، از کلیت فرمول شناختی خود در رابطه با مسئله فساد و راهکارهای مبارزه با آن، دفاع می‌کرد. البته ابتدای گفت‌وگوی ایشان با «شرق» روندی چالشی داشت، اما در نهایت به نقاط مشترکی نیز در پرسش‌ها و پاسخ‌های پایانی رسیدیم:

اگر بخواهید به روند فساد در دولت‌های پس از مشروطه در ایران اشاره کنید، به چه نقاط عطفی در تاریخ فساد در ایران معاصر اشاره می‌کنید و روند گسترش یا کاهش آن را در مقایسه دولت‌های مختلف با یکدیگر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اگر بخواهم بحث دقیقی را ارائه دهم، مجبور خواهم بود به‌جای اشاره به تاریخ مشروطیت و دوران قاجار که هنوز در آن تاریخ، دولت مدرن در ایران شکل نگرفته بود، اشاره نکنم و از آن بگذرم. تلاش بنده این است که از زمان تولد دولت مدرن در ایران که هم‌زمان با حاکمیت رضاشاه پهلوی است، این روند را بررسی کنم. اگر شما پس از حیات و تولد دولت مدرن در ایران (یعنی حدود یک‌قرن اخیر) به میزان فساد اقتصادی و اداری نگاه کنید، متوجه می‌شوید که هرچه به زمان حال نزدیک می‌شویم، میزان گسترش و نفوذ فساد در دولت و بدنه اقتصاد افزایش یافته است. خیلی ساده می‌توانم به شما بگویم از عصر رضاشاه تا امروز طی ۹۰سال اخیر، اگر منحنی فساد را رسم کنید، باید گفت که این منحنی همواره صعودی بوده است و هیچ برنامه گسترده‌ای برای مقابله با فساد جلو این روند را نگرفته و بنابر درک من، با این روند بازهم نخواهد گرفت. دلیل این امر حاکمیت اقتصاد دولتی در ایران است. در سال ۱۳۰۴ اقتصاد مدرنی که در ایران تشکیل می‌شود، پایه دولتی داشته است. اکنون که ما در سال ۱۳۹۴ با شما صحبت می‌کنیم هنوز اقتصاد ایران دارای پایه و ساخت دولتی است. بنابراین در اقتصاد دولتی بنابر تجارب متعدد جهانی و ملی، فساد گسترش می‌یابد و به دلیل وصل‌بودن این بخش به درآمدهای عمومی و عدم پاسخ‌گویی اقتصاد دولتی، همواره این روند در کشور ما مرتبا بازتولید می‌شود.

شما در ارتباط با تجارب تاریخی صحبت می‌کنید. اما می‌بینیم که اتفاقا ساختار اقتصادی ایران در دوره پهلوی اول دولتی‌تر از دوره پهلوی دوم و همچنین دولتی‌تر از دوران سازندگی و اصلاحات بود. همچنین دولت دوره جنگ تحمیلی عملا یک قوه مجریه دولت‌گرا بود و با وجود دولتی‌بودن بخش قابل توجهی از اقتصاد در آن زمان، میزان فساد اداری و دولتی پایین بود...

مسائلی از قبیل دوره رضاشاه شاید در اینجا استثنا باشد. استثنای دوران رضاشاه این بود که چون ایشان یک فرد بسیار سخت‌گیر و تندخو بود و دولت وی نیز یک دولت استبدادی و نظامی بود که همه از آن می‌ترسیدند و دولتی‌ها هم از دستگاه نظارتی آن وحشت داشتند، بنابراین مشاهده می‌کنیم که سطح فساد در آن مقطع کاهشی موقتی دارد. کسی نمی‌توانست و جرئت نمی‌کرد به رضاشاه دروغ بگوید یا آمارهای غلط به مسئول بالاتر خود و در رأس آن شاه کشور ارائه دهد. لذا در ۱۵سال حکومت پهلوی اول ما بیشتر به‌خاطر حکومت وحشت، از ابعاد فساد دولتی و اقتصادی کمتری به نسبت دوران پس از آن برخوردار بودیم. ولی چون اقتصاد آن دوران دولتی بود، پس از برکناری و مرگ سیاسی پهلوی اول، باز به مرور روند گسترش فساد در کشور مشاهده می‌شود که روندی رو به رشد داشت.

شما به تأثیر ترس مردم از حکومت یا حتی حساب‌بردن و فرمان‌برداری مردم و مسئولان از قوانین و سران حکومت اشاره کردید. آیا درجه گسترش فساد مستقل از اینکه چه سطحی از گسترش مالکیت خصوصی یا دولتی در اقتصاد کشور وجود دارد، نمی‌تواند تا حدی ناشی از فرمان‌برداری مردم و کارمندان دولتی از دولتمردان و قانون باشد؟ خواه منشأ این فرمان‌برداری وحشت مردم از پهلوی اول باشد و خواه اینکه تعلق خاطر به دولت انقلابی دهه اول پس از پیروزی انقلاب...

قبول دارم که وقتی ترس از حکومت باشد، کسانی که می‌خواهند یک روند مفسده‌آمیز را کلید بزنند، با ترس و لرز گام بردارند و نسبت به هزینه‌های آن تردید کنند. اما نباید فراموش کرد این مسئله تنها یک مسکن کوتاه مدت برای بحث فساد خواهد بود.

اما شما امروز می‌بینید دولت‌هایی که سروشکلی مانند دولت موردنظر هابز در کتاب لویاتان دارند، برخوردهای بهتری با فساد می‌کنند. به‌طور مثال اقتصاد چین دولتی‌تر در مقایسه با سنگاپور و اندونزی است و شاید از سطح فساد پایین‌تری هم برخوردار باشند. آیا این‌گونه نیست؟

همین چین که شما به آن اشاره می‌کنید در سال گذشته یعنی ۱۳۹۳، در کنگره کمیته مرکزی حزب کمونیست چین عمده‌ترین مسئله‌ای که در آن نشست روی آن بحث شد و محور گفت‌وگوها و تصمیمات کنگره بود، بحث فساد گسترده در چین بود. این به آن معناست که گسترش روبه رشد فساد با احکام سنگینی مانند اعدام و... رفع نشده است و مبارزه با فساد با زور موفقیت‌آمیز نخواهد بود. ریشه‌کن‌نشدن فساد ناشی از گسترش نفوذ دولت در اقتصاد است. در دوران استالین دستگاه مخوف امنیتی این کشور یعنی کاگ‌ب بسیار در امر شناسایی مفاسد مدیران دولتی حساس و دقیق بود و احکام بسیار سنگینی در دادگاه‌های شوروی برای مقابله با فساد در نظر گرفته بودند. اما باوجود این بگیروببندها، فساد رخت برنبست. در ایران نیز همین مسئله وجود دارد و با برخوردهای سنگین نمی‌توان مقابل فساد ایستاد. شما باید این موضوع را به گونه دیگری بررسی و مشاهده کنید. باید بپرسید که چرا در آلمان، هند، ژاپن، ترکیه، فرانسه و کره جنوبی این حجم از فساد وجود ندارد؟ چرا کسی در این کشورها کسی به‌دلیل فساد اعدام نمی‌شود اما میزان گسترش فساد در اقتصاد و ادارات دولتی اینچنین اندک و نادر است؟ پاسخ بنده این است که علت این تفاوت، در دولتی‌نبودن اقتصاد آنهاست. عده‌ای می‌گویند اقتصاد، دولتی بماند، اما بگیروببندها و نظارت‌ها بالا برود. شما هرچه بگیروببند و نظارت و هزینه‌های رصد امنیتی رفتارهای اقتصادی مسئولان و کارمندان را هم بالا ببرید، بالاخره یک نفر ریسک می‌کند و وارد عرصه فساد می‌شود. بنابراین زمینه و زیربنای فساد باید هدف قرار گیرد و آن مالکیت و اقتصاد دولتی است.

اگر بخواهیم از مسائل اقتصادی خارج شویم و ابعاد دیگری از مسئله برخورد و مواجهه و کنترل فساد را بررسی کنیم، می‌توانیم به مسئله دموکراسی و رسانه و سهم آنان اشاره کنیم. شما مشاهده می‌کنید رسانه‌ها در کشورهای توسعه‌نیافته و درحال توسعه در ارتباط با مسئله فساد جناحی و سیاسی عمل می‌کنند. از سوی دیگر دولت‌های آنان نیز نسبت به این مسئله که رسانه‌ها در بحث فساد مانور دهند حساس هستند و با آن برخورد می‌کنند...

هر مقدار که رسانه‌ها و مطبوعات آزادتر باشند، امکان گسترش فساد سخت‌تر می‌شود. من نمی‌گویم رسانه‌ها باعث کاهش فساد می‌شوند اما مطمئن هستم که رسانه‌ها باعث می‌شوند فساد اداری و اقتصادی بیش از پیش افشا شود و افکار عمومی مردم در مقابل آن قرار گیرند. این مسئله ترمزی در مقابل گسترش فساد ایجاد می‌کند. هرچه رسانه‌ها، دولتی‌تر باشند، سعی می‌کنند فساد را سانسور کنند و ابعاد آن را کوچک‌تر نشان دهند. به‌طور مثال در ارتباط با پرونده فساد سه‌هزار میلیاردی یا پرونده فساد سه‌هزار بورسیه غیرقانونی در دولت احمدی‌نژاد، مشاهده می‌کنید که رسانه‌های محافظه‌کار آن را سانسور می‌کردند و حتی کوچک‌نمایی کرده و تعداد و ابعاد مفاسد را اندک نشان می‌دادند. حتی گفته می‌شد که تعداد این افراد زیاد نیست و محدود به ۱۰ تا ۲۰ نفر است.

اما همین رسانه‌های محافظه‌کار و دست راستی که شما به آن اشاره می‌کنید، خیلی جسورانه، با قدرت و با ژستی عدالت‌خواهانه به پرونده استات اویل و ارتباط بستگان رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با این پرونده می‌پرداختند...

وقتی شما نگاه می‌کنید، می‌بینید که این رسانه‌ها روی حب‌وبغض‌های شخصی این کار را می‌کردند. مسئله این است که دقیقا در رسانه‌های ما انتقادات در هر زمینه‌ای (از جمله فساد) از روی حب و بغض‌های سیاسی صورت می‌گیرد.

عده‌ای هنوز عنوان می‌کنند افشای پرونده‌های فساد در یک کشور ممکن است به سوءاستفاده مخالفان آن کشور در خارج از مرزها با نشر این اخبار بینجامد و افشای مفاسد نوعی سیاه‌نمایی و ریختن آب به آسیاب دشمن است. پاسخ شما چیست؟

به هیچ‌وجه این ادعا صحت ندارد. اگر دقت کنید خواهید دید کشورهای غربی با وجود اینکه در بین سایر کشورها دشمنانی نیز دارند روی این نقاط ضعف تبلیغ می‌کنند، با این حال به صورت گسترده مباحثی که در ارتباط با فساد اداری و اقتصادی و حتی اخلاقی مسئولان رده‌بالای خود داشتند را در رسانه‌ها مطرح کرده و به آن پرداختند. به‌طور مثال پرونده واترگیت در دوره نیکسون با اینکه مشخص بود بلوک شرق آن زمان از افشای آن خوراک تبلیغاتی تهیه خواهد کرد، بی‌هیچ ترس و واهمه‌ای در داخل آمریکا افشا شد. در این کشورها هرگز سعی نشد این مسائل به این بهانه که دشمنان ما سوءاستفاده می‌کنند، پوشانده شود.

آیا دولت فعلی به عنوان یازدهمین دولت جمهوری اسلامی، توانسته است با توجه به شاخص‌هایی که مطرح کردید، برنامه خود برای مقابله با فساد را پیش ببرد؟ در قیاس با دولت‌های قبل سطح دولت‌زدایی از اقتصاد و مبارزه با فساد در کدام دولت بالاتر بوده است؟

در کل تاریخ پس از انقلاب تنها دولتی که کلنگ خود را برای نابودی اقتصاد دولتی و دولت‌زدگی برداشت و توانست اقتصاد مدرن ایران را از ۱۳۰۴ تا به امروز، با لرزاندن پایه‌های اقتصاد دولت‌محور دچار تحول کند، دولت سازندگی به ریاست هاشمی‌رفسنجانی بود. دولت او بسیار تلاش کرد این اقتصاد را کنار بگذارد و سعی کند اقتصاد آزاد آدام اسمیت را پی‌ریزی کند. البته در آن زمان هم کسانی که منافع اصلی و عمده‌ای در تداوم اقتصاد دولتی داشتند، در مقابل ایشان مقاومت کردند و نگذاشتند پروژه آن دولت به ثمر بنشیند. بنابراین با این توصیف شما همچنان با یک اقتصاد دولتی مواجه هستید که دولت یازدهم هم با آن مواجه است و مشخص نیست آیا می‌تواند در برابر آن گروه‌های ذی‌نفع موفق شود و پروژه دولت سازندگی را ادامه دهد.

خبر

ارزش گمرکی «بی‌ام‌و» معادل ۱۷۰ میلیون تومان

● **ایسنا:** آمار گمرک حاکی از آن است که ارزش ریالی هریک از انواع مدل‌های «بی‌ام‌و» که در نخستین‌ماه سال جاری به کشور وارد شده، معادل ۱۷۰ میلیون تومان است. در فروردین‌ماه سال جاری ۲۰ خودروی بی‌ام و مدل X4 به کشور وارد شد که قیمت آن نزدیک به ۶۰ هزار دلار معادل ۱۷۰ میلیون تومان بوده است. همچنین در سال گذشته ۳۷ دستگاه X3 با قیمت تقریبی ۴۴ هزار دلار معادل ۱۱۰ میلیون تومان وارد کشور شده بود.

جزئیات تصمیم حذف افراد از دریافت یارانه

● **فارس:** دولت با تصویب آیین‌نامه اجرایی تبصره ۲۰ قانون بودجه، شاخص‌هایی را برای پردرآمدها از دریافت یارانه مشخص کرده است.

محسن بهرامی، مشاور معاون اجرایی رئیس‌جمهور، با بیان اینکه چهار عامل برای حذف افراد غیرنیازمند از دریافت یارانه مشخص شده‌اند، افزود: تعداد عائله خانوار، شهر محل سکونت، برخورداری از منزل مسکونی ملکی و نوع و مدل خودروی شخصی از شاخصه‌های مورد نظر دولت در حذف افراد غیرنیازمند است.

وی تصریح کرد: حذف افراد غیرنیازمند با استفاده از بانک اطلاعاتی که در اختیار دولت و وزارت رفاه و تأمین اجتماعی قرار دارد، شروع شده است.

مشاور معاون اجرایی رئیس‌جمهور در پاسخ به این سؤال که آیا برای حذف افراد غیرنیازمند از دریافت یارانه، هدف‌گذاری از نظر آماری شده است یا خیر؟ گفت: هدف‌گذاری‌ای که تاکنون انجام شده حذف شش میلیون نفر است؛ اما اگر افرادی که این شرایط را دارند یعنی؛ غیرنیازمند هستند طبیعتا نمی‌توان جلوی حذف آنها را گرفت و حتی امکان دارد از این تعداد هم کمتر با توجه به شرایط خانوارها حذف شوند.

وی خاطرنشان کرد: اجرای این مصوبه، بازه زمانی خاصی ندارد و با توجه به ۹ ماه تا پایان سال جاری دولت بدش نمی‌آید سرعت عملش را بیشتر کند تا یارانه کمتری را به‌صورت مستقیم پرداخت کند.

گذر

تأمین یارانه نقدی از پول خوراک پتروشیمی‌ها

شانا: معاون مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی با اشاره به اینکه پول خوراک، تنها درآمد وزارت نفت از پتروشیمی‌هاست، گفت: این پول هم صرف بخش کوچکی از نیاز پرداخت‌های نقدی هدفمندی یارانه‌ها می‌شود.

محمدحسن پیوندی ادامه داد: درآمدها اعم از صادرات و فروش داخلی محصولات پتروشیمی، وارد چرخه مالی وزارت نفت نمی‌شود و پول خوراک، تنها درآمد وزارت نفت از پتروشیمی‌هاست که آن هم صرف بخش کوچکی از نیاز پرداخت‌های نقدی سر ماه هدفمندی یارانه‌ها می‌شود؛ این وضعی است که در نتیجه بر ذهن‌ها، تصمیم‌ها، نظرها و استراتژی‌ها اثر می‌گذارد.